

## ارزیابی روایات «تقسیمات چهارگانه قرآن»\*

بتول احمدی (نویسنده مسؤول)\*\*

سهیلا پیروزفر\*\*\*

عباس اسماعیلیزاده\*\*\*\*

### چکیده:

روایاتی منسوب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جوامع حدیثی شیعه و اهل سنت وجود دارد که در آن طبق فرمایش ایشان، قرآن کریم به چهار بخش به نام‌های «سبع طوال»، «مئین»، «مثنی» و «مفصل» تقسیم می‌شود که هر یک به ترتیب، عوض کتب پیامبران گذشته، تورات موسی، انجیل عیسی و زبور داوود به ایشان داده شده است. عمده این روایات یا از طریق ابن‌الاسقع از پیامبر صلی الله علیه و آله، و یا از طریق سعدالاسکاف از امام محمدباقر علیه السلام از حضرت رسول نقل شده‌اند. کثرت نقل به همراه بی‌توجهی به صحت و سقم این دست روایات از سوی عالمان قرآن و حدیث و انتسابشان به نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله، اهمیت بررسی این احادیث را از نظر میزان اعتبار دوچندان می‌کند. مقاله حاضر با تتبع موارد استناد این احادیث نشان داده که برخی از این استنادات بر خلاف مضمون روایات است و سند روایت کافی صحیح و روایات واثله بن‌الاسقع دارای اضطراب در سند و متن بوده که در نهایت به علت مستفیض یا متواتر بودن روایات و هماهنگی دلالت آن با قرآن، حکم به صحت آنها داده شده است.

### کلیدواژه‌ها:

تقسیم چهارگانه قرآن / سبع طوال / مئین / مثنی / مفصل

\* تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۲/۱۸، تاریخ تأیید: ۱۳۹۵/۳/۲۴.

Ahmadi.bit@gmail.com

\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث

Spirozfar@um.ac.ir

\*\*\* دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد

esmaelizabeth@um.ac.ir

\*\*\*\* دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد

## طرح مسأله

وجود روایاتی در اخبار شیعه و سنی همانند روایت «أُعْطِيَتْ السُّورَةُ الطُّوَالُ مَكَانَ التَّوْرَةِ وَأُعْطِيَتْ الْمُثَنِينَ مَكَانَ الْإِنْجِيلِ وَأُعْطِيَتْ الْمُثَانِي مَكَانَ الزَّبُورِ وَفُضِّلَتْ بِالْمُفْصَلِ ثَمَانٌ وَسِتُونَ سُورَةً» (کلینی، ۶۰۱/۲)، به لحاظ محتوایی دربردارنده سوره‌هایی هستند که تحت یک عنوان کلی نام‌گذاری شده و هر دسته به جای یکی از کتب مقدس پیشین قرار گرفته‌اند، بدین گونه که «طوال» به جای تورات، «مثنین» به جای انجیل و «مثنای» به جای زبور نازل شده است و آخرین قسم از این گروه شامل سوره‌های پایانی قرآن یعنی «مفصل» می‌باشند که بر اساس روایت، فضیلتی بر پیامبر ﷺ محسوب می‌شوند. این احادیث با مضامینی مختلف در منابع قرآنی و حدیثی نقل می‌شوند که در ادامه به مواردی از آن اشاره شده است:

الف) برخی روایات، هر یک از گروه‌های یادشده را که به جای کدام کتاب آسمانی پیشین نازل شده‌اند، با جابه‌جایی‌هایی گزارش کرده‌اند. به‌طور مثال در روایاتی از نبی اکرم ﷺ آمده است؛ «سور مثنین به جای انجیل و سوره‌های مثنای به جای زبور بر من عطا شده است» (عیاشی، ۲۵/۱). و در روایت دیگر آمده است؛ «مثنین به جای زبور و مثنای به جای انجیل بر من نازل شده» (طبری، ۱۰۰/۱).

ب) در جای دیگر گزارشی متفاوت در ترتیب سوره‌ها به چشم می‌خورد؛ یعنی ابتدا سبع طوال و بعد از آن مثنای و در نهایت مثنین قرار دارد. رسول خدا فرمودند: «سبع طوال به جای تورات، مثنای عوض زبور و مثنین عوض انجیل بر من عطا شده و من با سوره‌های مُفْصَلِ فَضِيلَتِ يَافْتَم» (همان، ۳۲).

ج) در گزارش دیگری، پیامبر اکرم ﷺ قرآن را با اسامی دیگر آن، یعنی بر اساس حروف مقطعه تقسیم کرده‌اند؛ شبیه به این مضمون که «سوره‌های راءات<sup>۱</sup> تا طواسین<sup>۲</sup> به جای انجیل و بین طواسین تا حوامیم<sup>۳</sup> به جای زبور بر من فرود آمده است» (نک: مظهري، ۳۱۳/۵).

این روایات به دلیل انتسابشان به نبی مکرم و یا یکی از معصومین عليهم السلام و همچنین استناد مکرر قرآن‌پژوهان، محدثان و مفسران، بدون اشاره به صحت و سقم آنها در مباحثی مانند تاریخ جمع و تدوین قرآن، توقیفی یا اجتهادی بودن ترتیب چینش

سوره‌ها و غیره، ضرورت سنجش و ارزیابی آنها را ایجاب نموده است. از این رو مقاله حاضر با تتبعی درباره احادیث تقسیمات قرآن، سنجش اسناد و روایان آن، سعی کرده است به سه مسأله پیرامون این روایات پاسخ دهد. اولاً این روایات اولین بار از چه مصادری نقل شده‌اند؟ ثانیاً اسناد و روایان آن تا چه میزان دارای اعتبار و اعتماد می‌باشند؟ و ثالثاً این روایات دارای چه تفاوت‌های بین متنی هستند؟

## درآمد

روایات تقسیم چهارگانه قرآن در کتب علوم قرآن<sup>۴</sup>، حدیث<sup>۵</sup>، تفسیر<sup>۶</sup>، علم اللغه<sup>۷</sup> و غریب الحدیث<sup>۸</sup> آمده و در منابع شیعی بعد از کلینی و عیاشی، در آثار دیگر عالمان قرآن پژوه و حدیث تکرار و به یک طریق نقل شده است (ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ۱/۲۲۹؛<sup>۹</sup> مجلسی، بحار الانوار، ۲۷/۸۹؛ حکیمی، ۱۰۴/۲). اصطلاحات آن از جمله سبع طوال، مئین، مثنی و مفصل همراه با حدود و مصادیق آن توسط مؤلفان تعریف و شناسایی شده است<sup>۱۰</sup> (نک: مجلسی، بحار الانوار، ۳۳۱/۱۶ و ۳۲۳/۶۵؛ همو، مرآة العقول، ۹۵/۷).

استناد به این روایات در تفاسیر غالباً ذیل آیات ۷۸ سوره حجر و ۲۳ سوره زمر به مناسبت توضیح واژه «مثنی» صورت گرفته (نک: سید قطب، ۳۰۴۸/۵؛ طوسی، التبیان، ۱۹/۹؛ بغوی، ۸۵/۴؛ زمخشری، ۱۲۳/۴؛ آلوسی، ۹۸/۸) و ذکر اسامی سوره‌ها (طوسی، التبیان، ۲۰/۱) و در آثار قرآن پژوهان هنگام بررسی تاریخ جمع و تدوین قرآن و در مبحث توقیفی یا اجتهادی بودن چینش سوره‌ها آورده می‌شوند (سیوطی، أصرار ترتیب القرآن، ۴۶؛ عتر، ۴۳/۱). به‌طور مثال، زرکشی در باب توقیفی بودن ترتیب سوره‌ها، به نام «تقسیمه بحسب سوره وفقی ترتیب السور والآیات وعددها»، روایت تقسیمات چهارگانه قرآن را بنا به نظر ابوجعفر النحاس به‌عنوان شاهی بر تألیف قرآن کریم در حیات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌آورد (زرکشی، ۲۵۸/۱). اما برخی معتقدند وجود ترتیب سوره‌ها در حدیث (طوال، مئین، مثنی، مفصل)، دلیل قطعی و تامی در ترتیب چینش سوره‌های قرآن نیست، بلکه روایت بیانگر آن است که حداقل این بخش‌ها در عهد رسول خدا صلی الله علیه و آله دارای ترتیب خاصی بوده‌اند. بنابراین چینش برخی سوره‌ها توقیفی

(طوال، حوامیم و مفصلات)، و برخی دیگر (مئین و مئانی) بر اساس اجتهاد صحابه صورت گرفته است (نک: زرقانی، ۱/۳۵۴؛ سیوطی، الاتقان، ۱/۶۶۱). محدثین از جمله کلینی، این روایت را ذیل مبحث «فضل القرآن» (کلینی، ۲/۶۰۱) آورده و بیهقی آن را در السنن الصغیر ذیل «باب تخصیص السبع الطوال بالذکر» (بیهقی، السنن الصغیر، ۱/۳۴۱) و طیالسی در «روایات واثله بن الاسقع از نبی مکرم اسلام» (طیالسی، ۲/۳۵۱) به گزارش این روایات پرداخته‌اند.

### راه‌های نقل روایات تقسیم چهارگانه قرآن در منابع شیعه و سنی

احادیث رسیده در این باب در سه دسته قابل بررسی است:

- الف) طریق سعد الاسکاف از امام باقر ع از نبی اکرم ص (کلینی، ۲/۶۰۱).
- ب) طریقی که از واثله بن الاسقع از پیامبر ص نقل شده که با روایت سعد الاسکاف اندکی متفاوت است (طبری، ۱/۱۰۰؛ طوسی، التبیان، ۱/۲۰؛ زرکشی، ۱/۲۵۶؛ سیوطی، الاتقان، ۱/۱۷۱).
- ج) طرق دیگر مانند طریق ابی امامه و ابی قلابه و... (سیوطی، الدرالمثور، ۶/۱۰۰).
- دو طریق اول از راه‌هایی هستند که نقل آن در کتب علوم قرآنی و حدیثی از بسامد بیشتری برخوردار می‌باشد. در اینجا لازم است متون و منابع روایی را که احادیث تقسیمات قرآن در آن گزارش شده است، مورد جست‌وجو و بررسی قرار دهیم.

### تقسیمات چهارگانه در منابع شیعه

قدیمی‌ترین و اولین منبع روایت کننده، «الکافی» اثر ثقة الاسلام کلینی است. وی تنها یک روایت از این تقسیمات را در کتاب «فضل القرآن» خود به صورت کامل و با سند صحیح منعکس نموده است. همچنین عیاشی از عالمان و معاصران کلینی، این حدیث را نقل کرده که در ادامه به آن اشاره خواهد شد. «عَلِيُّ بْنُ إِبرَاهِيمَ عَنْ صَالِحِ بْنِ السُّنْدِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ سَعْدِ الْإِسْكَافِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أُعْطِيَ السُّورَ الطُّوَالَ مَكَانَ التَّوْرَةِ وَأُعْطِيَ الْمِثْنَيْنِ مَكَانَ الْإِنْجِيلِ وَأُعْطِيَ الْمَثَانِي مَكَانَ الزُّبُورِ وَفُضِّلَتْ بِالْمُفْصَلِ ثَمَانٌ



وَ سِتُونَ سُورَةً وَ هُوَ مُهَيَّمٌ عَلَى سَائِرِ الْكُتُبِ وَ التَّوْرَةَ لِمُوسَى وَ الْإِنْجِيلَ لِعِيسَى وَ الزَّبُورُ لِدَاوُدَ» (کلینی، ۶۰۱/۲).

### بررسی سندی

در کافی روایت از سعد الاسکاف از نبی مکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بدون واسطه نقل شده و لفظ «اباجعفر» - کتبه امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام - از آن افتاده است؛ چرا که وی از معاصران و اصحاب خاص امام باقر بوده و نمی‌توانسته مستقیماً از پیامبر نقل حدیث کرده باشد (ر.ک: نجاشی، ۱۷۸). همچنین عیاشی در سندی که ارائه می‌دهد، به نام حضرت باقر عَلَيْهِ السَّلَام اشاره می‌کند؛ «عن سعد الإسكاف قال: سمعت اباجعفر عَلَيْهِ السَّلَام يقول قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ...» (عیاشی، ۲۵/۱).

### بررسی رجال سند

شرح حال رجال سند کافی به شرح زیر می‌باشد.

**علی بن ابراهیم:** در صدر سند علی بن ابراهیم بن هاشم ابوالحسن القمی، صاحب تفسیر قمی است. وی با القابی چون «ثقة فی الحدیث، ثبت، معتمد، صحیح المذهب»<sup>۱۱</sup> (نجاشی، ۲۶۰؛ طوسی، الفهرست، ۲۶۶) در میان رجالیان شناخته می‌شود.

**صالح بن السندی:** در سند بیشتر روایات به همین عنوان<sup>۱۲</sup> درج است (نک: طوسی، الفهرست، ۲۴۴؛ خوبی، ۶۹/۹). وی راوی افراد ثقه‌ای چون یونس بن عبدالرحمن است و ثقاتی چون ابراهیم بن هاشم از او نقل روایت کرده‌اند (طوسی، الرجال، ۴۸۲). از این رو به امامی، ثقة علی التحقیق و مقبول الروایه موصوف است (نک: بهبهانی، ۲۳۱).

**جعفر بن بشیر ابومحمد بجلی و شاء:** او مولی بجلیه، کوفی متوفی ۲۰۸ق (کشی، ۶۰۵) و فردی زاهد و صاحب اثر و ثقه است (حلی، خلاصة الاقوال، ۸۹) و نجاشی درباره وی می‌نویسد: «کان یلقب ففحة العلم روی عن الثقات و رووا عنه» (او ملقب به آغازگر علم بود و از ثقات و ثقات از وی روایت نقل کرده‌اند) (نجاشی، ۱۱۹؛ تستری، ۱۳۸/۱۲). شیخ طوسی او را «ثقة جلیل القدر» معرفی می‌کند (طوسی، الفهرست، ۱۰۹).

**سعد بن طریف الحنظلی:** از موالی اسکاف کوفی است، به همین دلیل وی را سعد الاسکاف خوانده‌اند (نجاشی، ۱۷۸؛ کشی، ۹؛ برقی، ۲۱۵). نجاشی در مورد او می‌گوید:

«ابن طریف از اصحاب امام محمدباقر و امام جعفر صادق علیهما السلام بوده و از ایشان حدیث نقل می‌کرده و «رساله ابی جعفر» منسوب به اوست» (نجاشی، ۱۷۸). بعضی او را مدح (طوسی، الرجال، ۱۱۵) و برخی هم چون ابن غضائری، وی را ضعیف دانسته‌اند (ابن غضائری، ۶۴). شیخ طوسی در ضمن اصحاب امام سجاد علیه السلام می‌نویسد: «سعد بن طریف حنظلی اسکاف از موالی بنی تمیم کوفی<sup>۱۳</sup> و راوی اصبع بن نباته<sup>۱۴</sup> است» (طوسی، الرجال، ۱۱۵) و حمدویه<sup>۱۵</sup> وی را ناووسی خوانده؛ چرا که بر امام جعفر صادق علیه السلام وقف کرده است<sup>۱۶</sup> (کشی، ۲۱۵). او ملقب به سعد الخفاف هم هست (کشی، ۲۱۵؛ حلی، خلاصة الاقوال، ۳۵۲).

در خلال کتب روایی شیعه و اهل سنت، شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد سعد الاسکاف نسبت به احادیث مشکل و غریب الحدیث پیگیر بوده و روایات او از جنبه شرح و توضیح برخی روایات مشکله درخور توجه است (پاکتچی، ۱۲۳).

### جمع‌بندی سندی

سند روایت کافی مُسند است؛ زیرا سلسله سند تا معصوم متصل می‌باشد (شانه‌چی، ۸۵) و رجال آن علی بن ابراهیم، صالح بن السندی و جعفر بن بشیر دارای توثیق خاص<sup>۱۷</sup> از سوی رجالیان هستند و لفظ ثقة در مصادر رجالی برای ایشان به کار برده شده است و همچنین سعد الاسکاف در روایتی، دارای تصریح امام محمدباقر علیه السلام مبنی بر تمجید از وی در امر قصه‌گویی است که بدین وسیله در حق ائمه معصومین علیهم السلام و در فضل ایشان سخن می‌رانده (کشی، ۲۱۵) و همچنین به دلیل نقل افراد ثقه‌ای چون علی بن ابراهیم قمی، صالح بن السندی و جعفر بن بشیر از او و نقل روایت صاحب کتاب کافی و درج نام وی در کتاب «معالم العلماء» ابن شهر آشوب از مصادر مهم متقدم رجال شیعه، حدیث او در زمره احادیث صحیح قرار می‌گیرد (خویی، ۴۳/۱).

### بررسی متنی

بررسی دلالی روایت مذکور در چند بخش قابل ارائه است: ۱- معنای طوال و مصادیق آن و علت نزول آن به جای تورات. ۲- معنای مؤین و مصادیق آن و علت

نزول آن به جای انجیل ۳- معنای مثنائی و مصادیق آن و علت نزول آن به جای زبور ۴- معنای مفصل و مصادیق آن و وجوه برتری پیامبر ﷺ به وسیله این سوره‌ها.

### ۱. «اعطیتُ السُّورَ الطَّوَالَ مکانِ تِوَرَاةٍ»

این عبارت دلالت بر این دارد که سوره‌های طولانی قرآن به جای تورات بر پیامبر اکرم ﷺ فرود آمده است. بر این اساس سوره‌های طوال و تورات باید دارای نقاط اتفاق و افتراق با یکدیگر باشند؛ چرا که در روایت مقابل هم قرار گرفته‌اند.

**الف) معنای طوال:** بنا بر نظر مصطفوی، اصل واحد این ماده بر امتداد و طولانی بودن زمان یا بلند بودن شیء اشاره دارد (مصطفوی، ۱۴۷/۷) و در کلام عالمان به‌عنوان اولین قسم از اقسام قرآن شناخته می‌شود که برخی اقوال، این کلمه را جمع «طویل» به معنای طولانی (راغب اصفهانی، ۵۳۳) و بعضی هم آن را جمع «طُول» (با ضم طاء بدون الف) دانسته و بر این اساس، این سوره‌ها را «سبع الطُول» می‌نامند (ابن منظور، ۴۱۱/۱).

**ب) مصادیق طوال:** ریشه شناخت مصادیق سوره‌های طوال مستند به روایات است؛ به‌طوری که سیوطی به نقل از ابن عباس می‌آورد:

«سوره‌های طوال شامل بقره، آل عمران، نساء، مائده، انعام و اعراف هستند و راوی

گوید هفتمین آن را از یاد برده‌ام که طبق روایت صحیح‌های از ابن ابی حاتم از

مجاهد و سعیدبن جبیر، آن سوره یونس است.» (سیوطی، الاتقان، ۱۷۳/۱)

طبق برخی روایت از ابن عمر، سعیدبن جبیر و مجاهد، این سوره‌ها از بقره تا توبه

هستند؛ به‌گونه‌ای که انفال و توبه یک سوره واحد باشند (بیهقی، دلائل النبوه، ۴۷۵/۵؛

دینوری، ۵۴/۱). مجلسی در بحارالانوار می‌نویسد:

«بنا بر مشهور، سبع طوال سوره‌های بقره تا اعراف را شامل می‌شوند و هفتمین آن

سوره یونس و یا انفال و توبه هر دو باهم هستند.» (مجلسی، بحارالانوار، ۲۸۱/۱۷)

زیرا این دو سوره محتوایی نزدیکی به هم دارند و بین آنها با «بسم الله الرحمن الرحیم»

فاصله ایجاد نشده است و به این سبب، آنها را «قریتان» گویند (طبرسی، مجمع البیان،

۴۱/۱؛ فیض کاشانی، الاصفی، ۲۵۲). همان‌گونه که مشاهده شد، بر حسب رأی بیشتر

عالمان محقق، سوره‌های طوال در شش مورد اتفاق دارند که شامل سوره‌های بقره،

آل عمران، نساء، مائده، انعام و اعراف می‌باشد و روایات مربوط به هفتمین سوره طوال (یونس، کهف، حمد، توبه و انفال) دارای اختلاف و یا نقل بدون سند است.

**ج) علت نزول طوال به جای تورات:** بررسی ساختاری و محتوایی سوره‌های طوال حکایت‌کننده تفصیل‌های بلند و متعدد در جهت تبیین مسائل اعتقادی و شرایط اجتماعی، اقتصادی، خانوادگی و آموزش قوانین لازم‌الاجرا برای داشتن یک زندگی مدنی و تعاملی است. جامعه‌ای که در آن پیروان دین‌های پیشین زندگی می‌کرده‌اند و قرآن ضمن تأیید پیامبران آنها و کتاب مقدسشان، به بررسی موقعیت جامعه و دسته‌های مختلف مردم (رسول، مؤمنان، منافقان، اهل کتاب - یهودیان و مسیحیان - کافران و مشرکان) و توصیف جایگاه هریک از ایشان و نحوه برخورد با آنها در جامعه می‌پردازد و سخن از یهود و بنی اسرائیل و احکام تشریعی و اعتقادی، کلام را به درازا می‌کشاند (ر.ک: بازرگان، ۲۰۲، ۲۱۴، ۲۲۲، ۲۳۱، ۲۳۹، ۲۴۸؛ خامه‌گر، ترجمه و ساختار قرآن کریم (۱)، ج اول؛ حاجی صادقی، ۸-۵۷). در مقابل تورات، مجموع شرایع مربوط به یک زندگی همراه با قداست است که در خود به دو نوع سلبی و ایجابی تقسیم می‌شود که شرایع سلبی متضمن نفی بت‌پرستی و شرک و پرهیز از پلیدی‌های اخلاقی و گناهان قوم بنی اسرائیل، و شرایع ایجابی متضمن ایمان به خدای واحد و پرستش او و عمل به دستورات و احکام دینی است (نک: تورات؛ لایوان، ۶: ۸؛ خروج، ۴-۹، ۳: ۱۲).

کاربرد لفظ «مکان» (عوض و به‌جای آن) در بردارنده دو مبحث است: ابتدا وجود اشتراکات بین تورات و طوال که باعث تقابل آنها شده که شامل وجود حداکثری آیات الاحکام در سوره‌های طوال و تورات و ارزشی است که به شریعت داده‌اند. همچنین نام، تاریخ، ویژگی‌ها و آموزه‌های تورات بازتاب گسترده‌ای در قرآن، به‌خصوص طوال داشته و همچنین این سوره‌ها حاوی برجسته‌ترین صفات اخلاقی بنی اسرائیل و یهود مانند قساوت و توحش (بقره/۷۴)، کشتن انبیای الهی (بقره/۸۷-۹۱، مائده/۷) و غیره را در خود جای داده است (حاجی صادقی، ۸-۵۸). از موارد افتراق تورات و طوال، بسیاری از موضوعات و قوانین پیچیده تورات است که در سوره‌های مورد بررسی ما یعنی سوره‌های طوال، این موضوعات یا وجود ندارد، و یا اینکه شکل اجرایی آن با تفاوت‌هایی همراه است (واعظ، ۹۰)؛ مانند ذبح حیوانات حلال گوشت



(بقره/۱۷۳، سلیمانی، ۱۶۰)، احکام روزه (بقره/۱۸۷؛ واعظ، ۹۱) و بسیاری از احکام مربوط به ارث، سرقت، ازدواج و غیره.

## ۲- «اعطیت المئین مکان الانجیل»

**الف) معنای مئین:** اصل کلمه «مئین» از «مأی» یا «مئی» یا کلمه دیگری گرفته شده است به معنای امتداد شیء و کشیده شدن آن و رسیدن به نقطه‌ای دور که در آن وسیع و پهن می‌شود (مصطفوی، ۱۲/۱۱). «مئین» اسم جمعی است که مفرد آن «مائه»، به معنای سومین اصل از اصول اعداد است؛ زیرا اصول اعداد چهار قسمت است: آحاد، عشرات، مئات، الوف (راغب اصفهانی، ۲۶۹/۴).

**ب) مصادیق مئین:** قرآن پژوهان مصادیق سوره‌های مئین را به اختلاف ذکر نموده‌اند. برخی آنها را دوازده سوره (معرفت، تلخیص التمهید؛ ۱۸/۱)، یازده سوره (بدرالعینی، ۴۰/۶)، یا هفت سوره از اسراء تا سوره مؤمنون دانسته‌اند (الموسوعة القرآنية المتخصصة، ۲۲۳). اما اتفاق نظر بر این است که این سوره‌ها بعد از طوال قرار گرفته و تعداد آیات آن صد آیه یا نزدیک به صد آیه باشد (رامیار، ۵۹۵؛ مجلسی، بحارالانوار، ۳۲۴/۶۵) که شامل سوره‌های توبه، یونس، هود، یوسف، حجر، نحل، اسراء، کهف، مریم، طه، انبیاء، مؤمنون، شعراء، نمل و صافات است.

**ج) علت نزول مئین به جای انجیل:** محتوای سوره‌های مئین بیان مسائل اعتقادی و معارف اخلاقی مانند مبدأ، معاد، توحید، توبه، تسبیح، شکرگزاری، اخلاص، توکل، تذکر و موعظه در قالب امثال و سرگذشت اقوام انبیا، پاسخ به شبهات، انذار و تبشیر و ذکر نعمت‌های بی‌پایان خداوند با ذکر مثل‌های حسی نه جهت امتنان، بلکه جهت تدبیر است. این سوره‌ها آموزه‌های اخلاقی مورد نیاز تکامل معنوی انسان را با ذکر نکات توحیدی ناب و برنامه‌های تربیتی دربر دارد (نک: تفاسیری که به اهداف و اغراض سوره‌ها نظر دارند؛ مانند طباطبایی، سید قطب، ابن‌عاشور، شوقی ضیف و خامه‌گر؛ ساختار سوره‌های قرآن کریم). در مقابل محتوای کلی انجیل بیشتر اخلاقی و اعتقادی بوده تا بیان قوانین الهی، حدود و شرایع دینی و با تأیید شرایع و احکام حضرت موسی علیه السلام، نگرش تازه‌ای را برای بنی‌اسرائیل نسبت به اعمال و رفتار خود به ارمغان

آورد؛ به طوری که سراسر آن تذکر و پند و موعظه و مثل جهت هدایت مردم و اصرار به توبه و بازگشت انسان به سوی خداوند و فانی بودن دنیا و گذشت، بخشش و اخلاص در عمل است. از وجوه اتفاق بین انجیل و مئین می توان به همسو و هماهنگ بودن برخی موعظه های آن از جمله نیکی به پدر و مادر در سوره اسراء آیه ۲۳ و در انجیل متا، باب ۱۱، بند ۴ اشاره کرد و برخی از مثل ها در دو متن مئین و انجیل آورده شده که دارای همانندی در شکل و محتوا هستند؛ مانند سوره توبه آیه ۱۱۱ و انجیل متا فصل ۱۴. از موارد افتراق بین انجیل و مئین می توان گفت دین مسیح بر اساس مهر و محبت و روحیه تسلیم پذیری و ظلم پذیری استوار است و با جنگ کافران و مشرکان در راه خدا بیگانه است. همچنین مسیحیان در فضایل اصلی خود محبت را بر ایمان مقدم می دارند، در حالی که در سوره های مئین بر اخلاص در عمل تأکید شده است؛ به عنوان مثال سوره حجر آیه ۳۹ و ۴۰.

### ۳. «اعطیت مکان الزبور مثنائی»

الف) معنای مثنائی: از «ثنی» به معنای معطوف و عطف گرفته شده است (طباطبایی، ۲۵۶/۱۷). بر این اساس مصطفوی می گوید:

«مثنائی در اصل از ماده «ثنی» (بر وزن سنگ) به معنی تکرار کردن و پیچیدن و برگرداندن قسمت های چیزی بر روی قسمت های دیگر است و به همین جهت، به عدد دو «اثنان» گفته می شود؛ چرا که بازگشت و تکرار در آن است.» (مصطفوی، ۳۱/۲).

در نتیجه در وجه تسمیه برخی سوره ها به مثنائی آمده است: الف) مثنائی سوره هایی اند که در مرتبه دوم بعد از مئین می آیند و تعداد آیات آنها کمتر از صد آیه است (مجلسی، مرآة العقول، ۴۸۲/۱۲؛ الموسوعة القرآنية المتخصصة، ۲۲۳/۱). ب) مثنائی سوره هایی اند که قصص، احکام و حدود در آن تکرار شده (سخاوی، ۸۸/۱). ج) امثال در این سوره ها دوبار بازگو شده است (حلبی، ۱۰۸). د) آیات آن در تلاوت دوبار قرائت می شود (معرفت، تاریخ قرآن، ۲۰).

ب) مصادیق مثنائی: طبق نظر بیشتر عالمان، سوره های مثنائی سوره های بعد از مئین هستند که کمتر از صد آیه دارند، در نتیجه آنچه که از سوره ها به عنوان مثنائی بعد از



مئین باقی می‌ماند، اولین آن سوره انفال است (سیوطی، الاتقان، ۲۲۷/۱؛ رامیار، ۵۹۵) که عبارتند از انفال، رعد، ابراهیم، حج، نور، فرقان، شعراء، قصص، عنکبوت، روم، لقمان، سجده، احزاب، سبأ، فاطر، یس، ص، زمر، غافر، فصلت، شوری، زخرف، دخان، جاثیه و احقاف (از سوره احقاف به بعد طبق روایت، حدود مفصلات شروع می‌شود).

**ج) علت نزول مثنائی به جای زبور:** در این سوره‌ها مسائل اخلاقی و مسائل مربوط به اعتقادات است؛ به طوری که این سوره‌ها حاوی اعتقاد به حقانیت قرآن، وحی و عظمت آن و حجیت دعوت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و هشدارهایش نسبت به معاد و سرانجام کافران و مؤمنان و پاسخ به شبهات دین‌ستیزان و همچنین ذکر نعمات بی‌پایان و قدرت خداوند و تدبیرش در اداره جهان هستی و حمد و تسبیح اوست (نک: تفاسیری که به اهداف و اغراض سوره‌ها نظر دارند؛ مانند طباطبایی، سید قطب، ابن‌عاشور، شوقی ضیف، و خامه‌گر؛ ساختار سوره‌های قرآن کریم). در مقابل زبور نام کتاب حضرت داوود عَلَيْهِ السَّلَام است که از جانب خداوند به او وحی شده (نساء/۱۶۳). محتوای زبور بر اساس کتاب مقدس یهود، مجموعه‌ای است از شعر و سرود که روایات و رویدادهای تاریخی قوم یهود را بیان می‌کند و موضوع اصلی آن، پرستش و توکل و واژه‌های مشابه هم که در ارتباط با پرستش و خداپرستی است (نک: کتاب مقدس، مزامیر، مقدمه، ۱).

مزامیر موجود از آغاز تا پایان به صورت شعر است و بخش بزرگ آن به دعا و پرستش می‌پردازد. مزامیر را نمی‌توان مجموعه‌ای مدون از آموزه‌های الهیاتی دانست. الهیات مزامیر موجود بیشتر بر حالت اعتراف و مبتنی بر حمد و ثناست، نه نظام‌مند و استدلالی. در حالی که سوره‌هایی که در مقابل زبور قرار گرفته‌اند، همان‌طور که در بخش بررسی محتوا گذشت، نظام‌مند و استدلالی هستند. کتاب مزامیر مشتمل بر تشبیهات فراوان از جمله تشبیهاتی درباره خدا، انسان، گناه، گناهکار و مؤمن است. می‌توان گفت که تشبیهات آن در برخی از موارد از لحاظ لفظ و معنا با قرآن کریم قابل انطباق است، اما در فقراتی هم، خداوند را به طور شایسته مورد خطاب قرار نداده و توصیف نکرده است (نعمتی، ۱۴۳).

#### ۴. «فضلت بالمفصل»

**الف) معنای مُفصل:** اصل کلمه مُفصل از «فَصَلَ»، به معنای جدا کردن و یا فاصله انداختن میان دو چیز است که در مقابل «وصل»، یعنی پیوستگی قرار دارد (مصطفوی، ۹۷/۹، قرشی، ۱۸۱/۵؛ ابن منظور، ۵۲۴/۱۱). «فَصَلَ الشَّيْءُ» یعنی جدا کردن چیزی، همان طور که قرآن می فرماید: ﴿فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ﴾ (بقره/۲۴۹). مُفَصَّل شامل تمام قسمت های یک مجموعه می باشد، از این رو سوره های پایانی قرآن را مُفَصَّل نامیده اند که این بخش از قرآن از اجزاء و تکه های کوچک تر و کوتاه تر نسبت به دیگر قسمت های قرآن تشکیل شده (مجلسی، بحار الانوار، ۲۸/۸۹؛ سیوطی، الاتقان، ۱۰۰/۱؛ شهید ثانی، ۲۶۸) و در آن بین حق و باطل، مؤمن و کافر، بهشت و جهنم و ... به صراحت جدایی افکنده شده است (ابن سلام، فضائل القرآن، ۳۶۵/۱).

**ب) حدود سوره های مفصل:** پیرامون حدود سوره های مفصل اقوال مختلفی بیان شده است. ماوردی و شهید ثانی نظر اکثریت در ابتدای سوره های مفصل را سوره محمد معرفی می کنند (همدانی، ۳۰۶/۲؛ شهید ثانی، ۲۶۸). مناوی می نویسد:

«در ابتدای سوره مفصلات اختلاف است که یا از حجرات یا جائیه، قاف، محمد،

صافات یا صف باشد.» (مناوی، ۵۶۵/۱)

اما قول راجح از نووی و به تبع آن در قاموس آمده است که مفصل قرآن از سوره محمد آغاز می شود و سوره های طولانی آن تا سوره مبارکه عمّ و سوره های متوسط آن تا ضحی و سوره های کوچک آن از ضحی تا پایان قرآن می باشد (شهید ثانی، ۲۶۸).

**ج) فضیلت پیامبر به واسطه سوره های مفصل:** برتری پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و رسالت ایشان بر سایر پیامبران یکی از موضوعاتی است که با بررسی آیات قرآن آشکار می شود. اما فضیلت ایشان به واسطه سوره های مفصل آن گونه که در بیشتر سوره ها مشهود است، این است که این سوره ها از لحاظ ظاهری و بیانی دارای اعجاز بلاغی در سبک و اسلوب بیان است؛ به طوری که با دیگر سوره های قرآن متفاوت اند و از لحاظ محتوایی، بیشتر انگیزشی - تربیتی هستند و دارای خطاب هایی محکم در جدایی حق از باطل، مؤمنان از کافران و کیفر اعمال بر اساس عدل الهی است و دربردارنده معارف ناب توحید و معاد، عذاب دشمنان خدا و رسول او، انفکاک جدی عبودیت خدا از

عبودیت غیر او، عاقبت انسان‌ها در قیامت و سرانجام اسفبار کافران، مشرکان، مکذبان، منافقان، استهزاءکنندگان و بخل‌ورزندگان می‌باشد و در مقابل، از عاقبت نیکوی مؤمنان به خدا و رسول ﷺ و قرآن و انفاق‌کنندگان و متقین سخن می‌گوید و جزئیات ماوا و جایگاه ایشان را در بهشت و جهنم به صورت صحنه‌هایی رنگ‌آمیزی شده و زنده به تصویر می‌کشد.

### جمع‌بندی

در بررسی دلالی، میزان ارتباط و هماهنگی هر قسم با توجه به معنا، مفهوم و مصادیق تعریف شده، نشان‌دهنده این امر است که هر قسم تا حدود زیادی با کتاب‌های انبیای پیشینی که به جای آن نازل شده‌اند، در چندین حوزه دارای نقاط اشتراک و افتراق‌اند، همراه با اینکه روایت کافی روایتی صحیح و دارای سند متصل تا معصوم است و راویان آن در کتب رجالی دارای درجه وثاقت می‌باشند. از این رو قول مجلسی صاحب بحار الانوار مبنی بر مجهول بودن روایت (مجلسی، مرآة العقول، ۴۸۲/۱۲)، و مجلسی اول مبنی بر قوی<sup>۱۸</sup> بودن آن (مجلسی، روضة المتقین، ۱۱۸/۱۳) مخالف با نتیجه به‌دست آمده است.

### تقسیمات چهارگانه در منابع اهل سنت

در منابع اهل سنت اقسام چهارگانه قرآن از طریق «وائله بن الاسقع» به چند طریق نقل شده است که در کتب شیعه مانند التنبیان شیخ طوسی (۲۰/۱)، مجمع البیان طبرسی (۴۱/۱) و بحار الانوار (۳۲۲/۶۵) هم یافت می‌شود.

الف) قدیمی‌ترین مصدری که روایت وائله بن الاسقع را گزارش کرده، مسند ابوداود طیالسی و احمد بن حنبل می‌باشد که چنین گزارش کرده است: «حَدَّثَنَا سُلَيْمَانُ بْنُ دَاوُدَ أَبُو دَاوُدَ الطَّيَالِسِيُّ، قَالَ: أَخْبَرَنَا عِمْرَانُ الْقَطَّانُ، عَنْ قَتَادَةَ، عَنْ أَبِي الْمَلِيحِ الْهَدَلِيِّ، عَنْ وَائِلَةَ بْنِ الْأَسْقَعِ، أَنَّ النَّبِيَّ قَالَ: أُعْطِيتُ مَكَانَ التَّوْرَةِ السَّبْعِ، وَأُعْطِيتُ مَكَانَ الزَّبُورِ الْمَمْنَيْنِ، وَأُعْطِيتُ مَكَانَ الْإِنْجِيلِ الْمَثَانِي، وَفُضِّلْتُ بِالْمُقْصَلِ» (طیالسی، ۳۵۱/۲؛ ابن‌حنبل،

۱۸۸/۲۸؛ اصفهانی، ۲۷۱۶/۵). در این روایت سوره‌های مئین عوض زبور و مثانی به‌جای انجیل گزارش شده‌اند.

ب) طبری در تفسیر خود روایت واثله را به سه طریق و با دو مضمون گزارش می‌کند. روایت اول با دو اسناد: نخست طریق ابوداود طیالسی از ابی‌عوام. دوم روادبن جراح از سعیدبن بشیر. طریق طبری در روایت دوم، لیث‌بن ابی سُلیم از ابی‌برده، از ابی‌الملیح از واثله است. سند روایت سوم متعلق به ابی‌قلابه بوده (طبری، ۱۰۰/۱).

ج) بیهقی در شعب الایمان سه طریق برای روایت تقسیم چهارگانه قرآن ارائه می‌دهد که در هر سه طریق، سلسله سند به قتاده، ابی‌ملیح و واثله می‌رسد (بیهقی، شعب الایمان، ۶۵/۲). در همه این اسناد، روایات طبق نقل طیالسی و احمدبن حنبل گزارش شده است.

د) روایتی از سیوطی به نقل از ابن ضریس از ابی‌جلد که در آن سوره‌های «مئین» به «مئین» تصحیف شده است (سیوطی، الدرالمثور، ۵۶/۱).

ه) همچنین در سندی دیگر به نقل از قاسم‌بن سلام (قاسم‌بن سلام، فضائل القرآن، ۲۸/۱؛ ابن کثیر، ۴۸/۱) که در نهایت به قتاده، ابی‌ملیح و ابن‌الاسقع می‌رسد، این جابه‌جایی و اضطراب متن دیده نمی‌شود و روایت مطابق نقل کافی آورده شده است.

#### بررسی سند

الف) روایت الف به نقل از طیالسی و احمدبن حنبل به نظر مصحح اسنادی صحیح است (طبری، ۱۰۰/۱).

ب) طریق روادبن جراح از سعیدبن بشیر دارای اسنادی ضعیف (همان) و غریب می‌باشد (ابن کثیر، ۴۸/۱) که هر دو طریق از قتاده نقل شده است و طریق طبری در روایت دوم از لیث‌بن ابی‌سُلیم از ابی‌برده، سند را دچار ضعف نموده (طبری، ۱۰۰/۱؛ احمدبن حنبل، ۱۰۷/۴) و سند روایت ابی‌قلابه مرسل است (طبری، ۱۰۰/۱).

ج) ادیب‌العلاف اسناد بیهقی در شعب الایمان از قتاده، ابی‌ملیح و واثله را صحیح معرفی می‌کند (العلاف، ۱۰۲/۱).

د) روایت سیوطی از ابی‌جلد مقطوع گزارش شده است.

در بین این اسناد، روایت طیالسی به دلیل دست اول بودن و همچنین کثرت نقل آن در مسند احمد بن حنبل و تفسیر طبری و شعب‌الایمان بیهقی و دیگر منابع اهل سنت به‌عنوان روایت مشهورتر، مورد بررسی سندی و متنی قرار خواهد گرفت.

### بررسی رجال سند

**ابن الاسقع:** وی از اصحاب رسول الله ﷺ (خویی، ۱۸۷/۱۹؛ طوسی، الرجال، ۵۱/۱) و نامش واثله بن الاسقع بن کعب بن عامر بن لیث و کنیه‌اش با اختلاف ذکر شده است؛ مانند ابوالاسقع، ابوالخطاب، ابوشداد لیثی. واثله زمانی مسلمان شد که پیامبر ﷺ برای جنگ تبوک آماده می‌شد و او در این جنگ حضرت را همراهی و سه سال خدمت ایشان را کرد و از اهل صُفّه بود (ابن اثیر، ۳۹۹/۵؛ زرکلی، ۱۰۷/۸).  
**ابی ملیح:** وی ابوالملیح الهذلی و نامش عامر بن اسامه بن عمیر و فردی ثقه است (ابن سعد، ۱۶۴/۷).

**قتاده:** وی قتاده بن دعامه السدوسی البصری (نوری، ۸/۱) و کنیه‌اش ابوالخطاب است (بیهقی، دلائل النبوه، ۴۷۵/۵؛ سیوطی، الدرالمثور، ۱۰۱/۶). وی مفسر، حافظ<sup>۱۹</sup> و ضریر اُکمه (کور مادرزاد) بوده و احمد بن حنبل درباره او گوید:

«او حافظ‌ترین اهل بصره و سرآمد در علم حدیث بوده و با وجود اینکه عالم زمان خود به‌شمار می‌آمد، در حدیث تدلیس<sup>۲۰</sup> می‌کرد» (ابن حنبل، ۱۸۵/۷؛ ابن حبان، ۳۲۲/۵)

شیخ طوسی قتاده را ثقه و ثبت معرفی می‌کند (طوسی، الخصال، ۳۵۰/۱) و نسائی وی را ضعیف شمرده است (هیثمی، مجمع الزوائد، ۴۶/۷).

**عمران بن القطان البصری:** عمران بن داور العمی، ابوالعوام القطان البصری در روایت به حسن الحدیث مدح شده است و بقیه رجال آن از ثقات (احمد بن حنبل، ۱۸۸/۲۸) و اسناد آن صحیح می‌باشد (طبری، ۱۰۰/۱). نظر احمد بن حنبل این است که امید است وی صالح الحدیث باشد، اما نسائی و ابن داوود وی را ضعیف شمرده‌اند (ذهبی، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، ۳۲۶/۳).

## جمع‌بندی سندی

الف) از بین اسناد ارائه شده، روایت طیالسی و احمدبن حنبل از نظر محدثان دارای اسناد صحیح بوده و دیگر طرق نقل شده دارای اسناد ضعیف، مرسل یا مقطوع هستند.

ب) احمدبن حنبل روایات واثله و راویانی را که از او نقل حدیث کرده‌اند، مورد قبول می‌داند (ابن‌حنبل، ۱۸۸/۲۸) و برخی عالمان، روایات ابن‌الاسقع را از دسته احادیث حسن<sup>۲۱</sup> به‌شمار می‌آورند (نک: بیهقی، دلائل النبوه، ۴۷۵/۵). قتاده و عمران‌بن‌القطان از سوی برخی رجالیان جرح و از سوی برخی دیگر تعدیل شده‌اند.

ج) همچنین علاوه بر اسناد فوق، روایات دیگری با تفاوت نقل و جابه‌جایی متنی از تقسیمات چهارگانه وجود دارد؛ بدین طریق که مراغی روایتی را بدون سند از براءبن‌عازب از نبی ﷺ مطابق با روایت سعد، با این تفاوت که به‌جای واژه مثانی کلمه طواسین آمده است، گزارش می‌کند (مراغی، ۴۴/۱۹). همچنین مظهري به نقل از محمدبن‌نصر از انس، سوره‌ها را با اسامی متفاوتی یاد می‌کند و چینش آن را مطابق روایت کافی، اما با سند مرسل می‌آورد (مظهري، ۳۱۳/۵).

## بررسی متنی

در روایت مذکور، اقسام قرآن به ترتیب روایت کافی می‌باشد؛ یعنی طوال و بعد از آن مئین، مثانی و مُفَصَّل آمده است، اما در ترتیب کتب آسمانی که این سوره‌ها به‌جای آن نازل شده‌اند، جابه‌جایی وجود دارد؛ مئین عوض زبور و مثانی به‌جای انجیل گزارش شده است. در این صورت باید دنبال نقاط اشتراک و افتراق بین این دو دسته باشیم؛ یعنی مئین با زبور و مثانی با انجیل. با توجه به آنچه در بررسی متنی روایت کافی گذشت، سوره‌های مثانی از نظر محتوا بسیار شبیه سوره‌های مئین هستند، به این خاطر به آنها مثانی یا عطف شده گفته می‌شود و به نظر می‌رسد که علت اضطراب متن در جابه‌جایی کتب نازل شده، همانندی و شباهت این دو قسم (مئین و مثانی) باشد. اما همان‌طور که در بررسی‌ها گذشت، بیشترین هماهنگی بین مئین و انجیل و مثانی و زبور است.





## جمع‌بندی

سند روایت واثله بن الاسقع از منظر محدثان اهل سنت چون احمد بن حنبل (۱۸۸/۲۸)، بیهقی (دلائل النبوه، ۴۷۵/۵) و طبری (جامع البیان، ۱۰۰/۱) صحیح بوده و نسائی همه رجال این حدیث به جز قتاده را ثقه معرفی می‌کند (هیثمی، ۱۵۸/۷). شیخ غماری<sup>۲۲</sup> در کتاب خود «جواهر البیان فی تناسب سور القرآن» حدیث مذکور را حسن می‌خواند (حوی، ۵۳/۱).

## جمع‌بندی برآمده از روایات شیعی و سنی

بررسی‌ها نشان داد:

۱- قدیمی‌ترین منابعی که به ذکر این روایت مبادرت نموده‌اند، مسند طیالسی و احمد بن حنبل مربوط به قرن سوم و چهارم هجری قمری و کتاب کافی مربوط به قرن چهارم است.

۲- در بیشتر اسناد نام ابی ملیح و واثله بن الاسقع در ردیف اولین راویان ثقه و حسن الحدیث معرفی شده‌اند و در مرتبه بعد هم نام عمران بن القطان، سعید بن بشیر و قتاده آمده است که بر اساس جست‌وجوهای رجالی فاقد اعتبار لازم‌اند.

۳- در آثار شیعی تنها یک روایت به طریق صحیح از سعد الاسکاف با راویان ثقه نقل شده است و روایات مشابه<sup>۲۳</sup> و گاه هم‌سطح آن از لحاظ متن در مصادر سنی مانند فضائل القرآن قاسم بن سلام (۲۸/۱)، طبرانی (۷۶/۲۲)، جامع البیان (۱۰۰/۱)، تفسیر مراغی (۴۴/۱۹)، تفسیر مظهری (۳۱۳/۵) و تفسیر بغوی (۶۱/۱) می‌تواند مورد توجه باشد.

۴- این روایات و احادیث مشابه آن در فضیلت سوره‌های مفصل بر پیامبر اکرم ﷺ اتفاق نظر دارند؛ به طوری که در روایات دیگری از ایشان نقل است: «و اعطانی ربی المفصل نافله» (مجلسی، بحار الانوار، ۳۲۴/۶۵)، «ما قرأهن نبیّ قبلی» (سیوطی، جامع الاحادیث، ۴۶۲/۷).

۵- در ادامه روایت کافی، شرح و توضیحاتی وجود دارد که در گزارش اهل سنت از آن خبری نیست؛ مانند «سور مفصلات شصت و هشت سوره» (کلینی، ۶۰۱/۲) یا

«شصت و هفت سوره‌اند» (عیاشی، ۲۵/۱). «قرآن سیطره و احاطه دارد بر کتاب‌های پیامبران پیشین. پس تورات از برای موسی، و انجیل از برای عیسی، و زبور از برای داوود است» (کلینی، ۶۰۱/۲) که این بخش می‌تواند تکمله‌ای از حضرت باقر علیه السلام یا توضیح سعد الاسکاف باشد؛ زیرا همان طور که اشاره شد، وی درباره احادیث مشکل و غریب‌الحدیث پیگیر بوده است و یا ممکن است نوعی زیادت و تجمیع در حدیث بوده که از زیر مجموعه‌های تحریف‌های عبارتی در متن است.

۶- دلالت روایت کافی بیشترین هماهنگی را با اقسام قرآن و کتب عهدین داشته است و جابه‌جایی‌های یاد شده در متن و اسناد روایت واثله بن الاسقع با اختلاف اندک گزارش شده که در نقل‌های دیگر از جمله تفسیر بغوی (بغوی، ۷۸/۱)، این اضطراب متنی اصلاح شده است.

### نتیجه‌گیری

از مجموع مباحثی که در بررسی احادیث تقسیمات قرآن ارائه شد، می‌توان نکات زیر را به‌عنوان نتایج بحث در نظر گرفت:

۱- به علت کثرت نقل روایات تقسیمات چهارگانه قرآن در منابع روایی شیعی و اهل سنت و همچنین میزان هماهنگی اتفاق و افتراق هر قسم با کتاب‌های انبیای پیشین - طوال به‌جای تورات، مئین به‌جای انجیل و مثنی به‌جای زبور - می‌توان به صحت اسناد این روایات حکم کرد.

۲- مضمون این روایات به برتری و سیطره قرآن نسبت به کتب عهد قدیم و جدید عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اشاره دارد. در نتیجه به‌کارگیری این روایات و استناد به آنها در مباحث جمع و ترتیب قرآن و توقیفی بودن چینش سوره‌ها به سبب مشخص نبودن حدود و مصادیق سوره‌های طوال، مئین، مثنی و مفصل در روایات، و تشتت آراء عالمان در آن، استفاده‌ای نادرست است.

۳- در همه گزارش‌ها، فضیلت داشتن، نافله یا عطیه بودن سوره‌های مفصل امری محرز است.



## پی‌نوشت‌ها

- ۱- سوره‌هایی که با «الر» شروع می‌شوند شامل: ۱- یونس ۲- هود ۳- یوسف ۴- رعد ۵- ابراهیم ۶- حجر (رامیار، ۵۹۷).
- ۲- طواسین: سوره‌های شعراء، نمل و قصص هستند که سوره نمل با «طس» و سوره‌های شعراء و قصص با «طسم» آغاز می‌شوند (احمدیان، ۵۷؛ حریری، ۲۵۵).
- ۳- حوامیم: سوره‌هایی که با حاء و میم شروع می‌شوند و شامل هفت سوره مؤمن، فصلت، شوری، زخرف، دخان، جاثیه و احقاف می‌باشد (رادمنش، ۱۵۱).
- ۴- معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ۲۸۲/۱؛ زرکشی، ۱۲۶/۱-۱۵۹؛ سیوطی، الاتقان، ۲۰۱/۱؛ عتر، ۴۴/۱؛ قمی نیشابوری، ۲۳۳/۴؛ سخاوی، ۸۸/۱.
- ۵- کلینی، ۶۰۱/۲؛ مجلسی، بحارالانوار، ۳۲۳/۶۵، ۲۵/۸۹؛ احمدبن حنبل، ۴۰۷/۴؛ بیهقی، سنن الصغیر، ۳۴۱/۱؛ ابی داود، ۳۵۱/۱.
- ۶- طوسی، التبیان، ۱۹/۱؛ عیاشی، ۲۵/۱؛ طبرسی، مجمع‌البیان، ۴۱/۱؛ فخر رازی، ۱۶۶/۱۹؛ سیوطی، الدرالمثور، ۵۸۷/۷؛ ابن کثیر، ۲۴۶/۱.
- ۷- طریحی، ۳۲۷/۲؛ ابن منظور، ۵۱۴/۱.
- ۸- ابن قتیبہ، ۵۳/۱.
- ۹- ابن شهرآشوب این روایت را بدون سند در «فصل فی النکت و الاشارات» آورده، با این تفاوت که در نسخه ابن شهرآشوب، «فَضَّلَیْ رَبِّی بِالْفَضْلِ» آمده که مجلسی به نقل از مناقب در بحارالانوار به «فَضَّلَیْ رَبِّی بِالْمُفَصَّلِ» این تصحیف را برطرف نموده است.
- ۱۰- مازندرانی، ۱۷/۱۱؛ طوسی، التبیان، ۱۹/۱.
- ۱۱- از الفاظ مدح راوی است (شانه‌چی، ۱۴۲).
- ۱۲- وی را صالح‌بن السنندی جمال و صالح‌بن سعید بدل از السنندی در کتب حدیث به‌کار برده‌اند (خویی، ۷۰/۹).
- ۱۳- بر این پایه دور نیست که سعد اصلی ایرانی داشته و اصالتاً عرب نبوده است (پاکتچی، ۱۲۳).
- ۱۴- صحیح‌الحدیث (طوسی، الرجال، ۱۱۵) و از اصحاب خاص حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ (همان، ۸۸).
- ۱۵- حمدویه‌بن نصیر الکشی: از مشایخ ابی‌عمرو محمدبن عمر بن عبدالعزیز الکشی است که کشی از او بسیار نقل حدیث می‌کند (خویی، ۲۵۵/۶).

۱۶- کشی در کتاب خود لفظ «وفد» به معنای وقف، یعنی ایستادن و متوقف شدن (راغب اصفهانی، ۴۸۸/۱) را برای ناووسی خواندن سعد انتخاب نموده است، در حالی که «وفد» در کتب لغت به معنای وارد شدن است و در مشتقات دیگر آن معنای «وقف یا توقف در مذهب» دیده نمی‌شود (ر.ک: مصطفوی، ۱۵۲/۱۳؛ راغب اصفهانی، ۸۷۷؛ ابن منظور، ۴۶۵/۳). بعد از کشی، تنها ابن داوود حلی گفته حمدویه را آورده و به جای کلمه «وفد»، از «وقف» استفاده کرده است؛ «قال حمدویه: کان ناووسیا وقف علی ابی عبدالله علیه السلام» (ابن داوود، ۴۵۶/۱).

۱۷- توثیق عام آن است که راویان در ضمن یک قاعده کلی و عمومی توثیق شوند، و مقصود از توثیق خاص این است که در خصوص یک راوی از سوی معصوم علیه السلام یا دانشمندان رجال، الفاظ دال بر وثاقت رسیده باشد (سبحانی، ۱۶/۲).

۱۸- حدیث قوی خبری است که تمامی راویان زنجیره حدیث امامی مذهب باشند؛ هرچند نسبت به برخی از آنها مدح و ذمی نرسیده باشد، اما در لسان قدما، «موثق و قوی» خبری است که میان راویان آن، موثق غیر امامی باشند (شانه‌چی، ۶۸).

۱۹- حافظ در اصطلاح حدیثی کسی است که بر سنن حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم احاطه داشته باشد و موارد اختلاف و اتفاق و حال راویان آن را بداند (شانه‌چی، ۲۲) و در اصطلاح قدما کسی را گویند که عالم به جمیع علوم عقلی و نقلی و قرآنی باشد؛ اعم از علم قرائت، حفظ، تفسیر و... (ر.ک: علوی مهر، ۲۸۷ و ۲۹۷).

۲۰- مدّس حدیثی است که در آن عملی انجام گرفته که باعث اعتبار روایت گشته و به این عمل تدلیس گویند (قاسمی، ۱۳۲).

۲۱- حسن در اصطلاح اهل سنت، خبر مسند یا مرسل (بدون شذوذ و علت) را گویند که افراد سند آن ثقه باشند (همان، ۱۰۲).

۲۲- عبدالله محمدبن غماری، محدث، اصولی و محقق (ابن رمضان، ۳۴۹/۱)، از مشایخ سعید حوی (حوی، ۵۳/۱).

۲۳- نک: کلینی، ۱۷/۲؛ حکیمی، ۱۰۳/۲.

## منابع و مأخذ

۱. آلوسی، محمود بن عبدالله؛ روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۲. ابن ابی حاتم، ابومحمد عبدالرحمن؛ الجرح و التعديل، بیروت، دار احیاء التراث عربی، ۱۹۵۲م.
۳. ابن حنبل، احمد؛ المسند الامام احمد بن حنبل، بی جا، مؤسسة رساله، ۱۴۲۱ق.
۴. ابن رمضان، محمدخیر؛ تکملة معجم المؤلفین، بیروت، دار ابن حزم، ۱۴۱۸ق.
۵. ابن شهر آشوب، محمد بن علی؛ معالم العلماء، قم، بی نا، بی تا.
۶. \_\_\_\_\_؛ مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، نجف، کتابخانه حیدریه، ۱۳۷۶ق.
۷. ابن عاشور، محمد بن طاهر؛ التحرير والتنوير، بی جا، بی نا، بی تا.
۸. ابن غضائری، احمد بن حسین؛ الرجال، قم، دارالحديث، ۱۳۶۴ش.
۹. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو؛ تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
۱۰. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ق.
۱۱. ابن حبان، محمد؛ الثقات، هند، بی نا، ۱۳۹۳ق.
۱۲. ابن سعد، أبو عبدالله محمد؛ الطبقات الکبری، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۰ق.
۱۳. ابو عبید، قاسم بن سلام؛ فضائل القرآن، دمشق، دار ابن کثیر، ۱۴۱۵ق.
۱۴. \_\_\_\_\_؛ غریب الحديث، حیدرآباد، نشر دائرة المعارف عثمانیه، ۱۳۸۴ق.
۱۵. احمدیان، عبدالله؛ قرآن شناسی، تهران، نشر احسان، ۱۳۸۲ش.
۱۶. اردبیلی، محمدعلی؛ جامع الرواه، قم، کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۰۳ق.
۱۷. اصفهانی، نعیم؛ معرفة الصحابه، ریاض، دارالوطن للنشر، ۱۴۱۹ق.
۱۸. ایروانی، باقر؛ دروس تمهیدیه فی القواعد رجالیه، بی جا، حبیب، ۱۴۱۷ق.
۱۹. بازرگان، مهدی؛ سیر تحول قرآن، تهران، شرکت سهامی انتظار، ۱۳۸۶ش.
۲۰. بخاری، محمد بن اسماعیل؛ تاریخ الكبير، بی جا، دارالفکر، بی تا.
۲۱. بدر العینی، بدرالدین؛ عمدة القاری، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۲۲. برقی، احمد بن محمد بن خالد؛ طبقات الرجال، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ق.
۲۳. بغوی، حسین بن مسعود؛ معالم التنزیل، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۲۴. بهبهانی، وحید؛ الفوائد الحائریه، قم، مجمع فکر اسلامی، ۱۴۱۵ق.

۲۵. بیهقی، احمدبن حسین؛ السنن الصغیر، پاکستان، جامعه الدراسات الإسلامیه، ۱۴۱۰ق.
۲۶. \_\_\_\_\_؛ دلائل النبوه، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۸ق.
۲۷. \_\_\_\_\_؛ شعب الایمان، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۰ق.
۲۸. پاکتچی، احمد؛ فقه الحدیث با تکیه بر مسائل لفظ، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۹۲ش.
۲۹. تستری، محمدتقی؛ قاموس الرجال، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۹ق.
۳۰. جزری، ابن اثیر؛ اسد الغابه فی معرفه الصحابه، بیروت، دارالکتب علمیه، ۱۴۱۵ق.
۳۱. جمعی از علما؛ الموسوعه القرآنیة المتخصصه، مصر، المجلس الأعلى للشؤون الإسلامیه، بی تا.
۳۲. حاجی صادقی، عبدالله؛ سیمای یهود در قرآن، قم، زمزم هدایت، ۱۳۹۰ش.
۳۳. حافظیان بابلی، ابوالفضل؛ رسائل فی درایه الحدیث، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۲ش.
۳۴. حریری، محمدیوسف؛ فرهنگ اصطلاحات قرآنی، قم، هجرت، ۱۳۸۴ش.
۳۵. حلبی، علی اصغر؛ آشنایی با علوم قرآنی، تهران، اساطیر، ۱۳۷۴ش.
۳۶. حلّی، ابن داوود؛ رجال ابن داوود، بی جا، بی نا، بی تا.
۳۷. حلّی، حسن بن یوسف؛ خلاصه الأقوال، بی جا، مؤسسه نشر الفقاهه، ۱۴۱۷ق.
۳۸. حوی، سعید؛ الاساس فی التفسیر، بی جا، دارالسلام، ۱۴۰۹ق.
۳۹. خامه گر، محمد؛ ترجمه و ساختار قرآن کریم، مشهد، انتشارات نورالثقلین، ۱۳۹۴ش.
۴۰. \_\_\_\_\_؛ ساختار سوره های قرآن کریم، قم، انتشارات نورالثقلین، ۱۳۹۲ش.
۴۱. خطیب تبریزی، یحیی بن علی؛ الإكمال فی أسماء الرجال، بی جا، بی نا، بی تا.
۴۲. خلف، نجم عبدالرحمن؛ المعجم الجرح و التعديل السنن الكبرى، بی جا، دار الرایة للنشر والتوزیع، ۱۴۰۹ق.
۴۳. خویی، سید ابوالقاسم؛ معجم الرجال الحدیث، بی جا، بی نا، ۱۴۱۳ق.
۴۴. دینوری، ابن قتیبه؛ غریب الحدیث، بغداد، نشر عانی، ۱۳۹۷ق.
۴۵. ذهبی، محمدبن احمد؛ دیوان الضعفاء و المتروکین، مکه، کتابخانه نهضت حدیثیه، ۱۳۸۷ق.
- \_\_\_\_\_ م. ۱۹۶۷
۴۶. \_\_\_\_\_؛ سیر اعلام النبلاء، بی جا، مؤسسه رساله، بی تا.

۴۷. \_\_\_\_\_ ؛ میزان الاعتدال فی نقد الرجال، بیروت، دار المعرفه للطباعة و النشر، ۱۳۸۲ق.
۴۸. رادمنش، محمد؛ آشنایی با علوم قرآنی، تهران، علوم نوین / جامی، ۱۳۷۲ش.
۴۹. رازی، فخرالدین محمد بن عمر؛ مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۵۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ مفردات قرآن کریم، بیروت، دار القلم، ۱۴۱۲ق.
۵۱. رامیار، محمود؛ تاریخ قرآن، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۹ش.
۵۲. ربانی، محمدحسن؛ اصول و قواعد فقه الحدیث، قم، مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۳ش.
۵۳. زرقانی، محمد عبدالباقی؛ مناهل العرفان، بی جا، دار احیاء تراث عربی، بی تا.
۵۴. زرکشی، محمد بن بهادر؛ البرهان فی علوم القرآن، بیروت، دار المعرفه، ۱۳۹۱ق.
۵۵. زرکلی، خیرالدین؛ الاعلام، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۹۸۰م.
۵۶. زمخشری، محمود؛ الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
۵۷. سبحانی، جعفر؛ دروس موجزه فی علمی الرجال و الدرایه، قم، المَکَز العالمی للدراسات الاسلامیه، بی تا.
۵۸. \_\_\_\_\_ ؛ کلیات فی علم الرجال، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، بی تا.
۵۹. سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله؛ ارشاد الأذهان الی تفسیر القرآن، بیروت، دار التعاریف للمطبوعات، ۱۴۱۹ق.
۶۰. سخاوی، علی بن محمد؛ جمال القراء و کمال الإقراء، دمشق، دار المامون للتراث، ۱۴۱۸ق.
۶۱. سلیمانی، حسین؛ «احکام ۶۱۳ گانه تورات»، هفت آسمان، سال هجدهم، شماره ۱۸، تابستان ۱۳۸۲، ص ۱۵۳-۱۷۶.
۶۲. سیوطی، عبدالرحمن؛ الاتقان فی علوم القرآن، بی جا، الهیئة المصریة العامة للکتاب، ۱۹۷۴م.
۶۳. \_\_\_\_\_ ؛ الدر المنثور، بیروت، دارالفکر، بی تا.
۶۴. \_\_\_\_\_ ؛ تدريب الراوی فی شرح تقریب النووی، بی جا، بی نا، بی تا.
۶۵. \_\_\_\_\_ ؛ جامع الاحادیث، مصر، بی نا، بی تا.
۶۶. شاذلی، سید بن قطب؛ فی ظلال القرآن، بیروت، دارالشروق، ۱۴۱۲ق.
۶۷. شوکانی، محمد بن علی؛ فتح القدر، بی جا، عالم الکتب، بی تا.

۶۸. شهید ثانی، زین‌الدین علی‌بن‌العاملی؛ روض الجنان فی شرح ارشاد الازدهان، قم، بوستان کتاب، ۱۴۲۲ق.
۶۹. صدر، حسن؛ نه‌ایة الدرايه، قم، نشر معشر، بی‌تا.
۷۰. صدر، محمداقبر؛ بحوث فی علم الاصول، لبنان، مؤسسة دائرة المعارف الفقه الاسلامی، ۱۴۲۶ق.
۷۱. ضیف، شوقی؛ الوجیز فی تفسیر القرآن الکریم، قاهره، دارالمعارف، ۱۴۱۵ق.
۷۲. طباطبایی، سید محمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۷۳. طبرانی، سلیمان بن احمد؛ المعجم الکبیر، موصل، کتابخانه علوم و حکم، ۱۹۸۳م.
۷۴. طبرسی، فضل بن حسن؛ جوامع الجامع، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ش.
۷۵. \_\_\_\_\_؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۷۶. طبری، محمدبن جریر؛ جامع البیان فی تأویل القرآن، بی‌جا، مؤسسة الرساله، ۱۴۲۰ق.
۷۷. طریحی، فخرالدین بن محمد؛ مجمع البحرین، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۵ش.
۷۸. طوسی، محمدبن حسن؛ التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
۷۹. \_\_\_\_\_؛ الخصال، قم، جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیه، ۱۴۰۳ق.
۸۰. \_\_\_\_\_؛ الفهرست، بی‌جا، مؤسسه نشر فقاهاه، ۱۴۱۷ق.
۸۱. \_\_\_\_\_؛ رجال الطوسی، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۳۷۳ش.
۸۲. طیالسی، سلیمان بن داوود؛ مسند الطیالسی، مصر، دار هجر، ۱۴۱۹ق.
۸۳. عتر، نورالدین؛ علوم القرآن الکریم، دمشق، مطبعة الصباح، ۱۴۱۴ق.
۸۴. عقیلی، محمدبن عمرو؛ الضعفاء الکبیر، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۴ق.
۸۵. علاف، ادیب؛ البیان فی علوم القرآن، دمشق، کتابخانه فارابی، ۱۴۲۲ق.
۸۶. علوی مهر، حسین؛ آشنایی با تاریخ مفسران، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۴ش.
۸۷. عیاشی، محمدبن مسعود؛ التفسیر العیاشی، تهران، چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ق.
۸۸. غروی نائینی، نهله؛ فقه الحدیث و روش‌های نقد متن، تهران، دفتر نشر آثار علمی دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۹ش.
۸۹. غفاری، علی‌اکبر؛ دراسات فی علم الدرايه، تهران، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، ۱۳۶۹ش.
۹۰. فیض کاشانی، ملا محسن؛ الوافی، اصفهان، کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام، ۱۴۰۶ق.
۹۱. \_\_\_\_\_؛ تفسیر الاصفی، قم، مرکز انتشارات تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۸ق.



۹۲. قاسمی، محمدبن محمد؛ قواعد التحديث من فنون مصطلح الحديث، بیروت، دار الکتب العلمیه، بی تا.
۹۳. قرشی، علی اکبر؛ قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۱۲ق.
۹۴. قمی نیشابوری، حسن بن محمد؛ غرائب القرآن و رغائب الفرقان، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۶ق.
۹۵. کشی، محمدبن عمرو؛ اختیار معرفة الرجال، مشهد، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹ق.
۹۶. کلباسی، محمد؛ الرسائل الرجالیه، قم، دارالحديث، ۱۳۸۱ش.
۹۷. کلینی، محمدبن یعقوب؛ الکافی، تهران، کتاب فروشی اسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۹۸. کنی تهرانی، علی؛ توضیح المقال فی علم الرجال، بی جا، دارالحديث، ۱۳۷۹ش.
۹۹. مازندرانی، محمدهادی بن محمدصالح؛ شرح فروع الکافی، قم، دارالحديث، ۱۴۲۹ق.
۱۰۰. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۱۰۱. \_\_\_\_\_؛ مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۴ق.
۱۰۲. مجلسی، محمدتقی؛ روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، قم، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانیور، ۱۴۰۶ق.
۱۰۳. مدیر شانه چی، کاظم؛ درایة الحديث، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۷ش.
۱۰۴. مراغی، احمد مصطفی؛ تفسیر مراغی، مصر، شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي وأولاده، بی تا.
۱۰۵. مصطفوی، حسن؛ التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ش.
۱۰۶. مظهری، محمد ثناءالله؛ التفسیر المظهری، پاکستان، کتابخانه رشديه، ۱۴۱۲ق.
۱۰۷. معارف، مجید؛ تاریخ عمومی حدیث، تهران، کویر، ۱۳۸۷ش.
۱۰۸. معرفت، محمد هادی؛ التمهید فی علوم القرآن، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۵ق.
۱۰۹. \_\_\_\_\_؛ تفسیر و مفسران، قم، مؤسسه فرهنگی التمهید، ۱۳۷۹ش.
۱۱۰. \_\_\_\_\_؛ تلخیص التمهید، قم، مؤسسه نشر اسلامی، بی تا.
۱۱۱. مناوی، محمد عبدالروؤف؛ فیض القدير، مصر، المكتبة التجارية الكبرى، ۱۳۵۶ق.

۱۱۲. میرداماد، محمدباقر؛ الرواشح السماویه فی شرح الاحادیث الامامیه، قم، دارالحديث، ۱۳۸۰ش.
۱۱۳. نجاشی، احمد بن علی؛ الرجال، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۶۵ش.
۱۱۴. نعمتی پیرعلی، دل آرا؛ عباسی ولدی، غلامرضا؛ «بررسی تطبیقی فضائل اخلاقی در اناجیل اربعه و قرآن کریم»، بینات، شماره ۶۶، ۱۳۸۹ش، ص ۱۷۷-۲۰۲.
۱۱۵. نوری، میرزا حسین؛ مستدرک وسایل الشیعه، بیروت، مؤسسه آل البیت علیهم السلام، ۱۴۰۸ق.
۱۱۶. نووی، محی الدین؛ المجموع شرح المهذب، بیروت، دارالفکر، بی تا.
۱۱۷. واعظ، بتول؛ «تبیین تطبیقی مبانی نظری، شرعی و اخلاقی اسلام، یهودیت و مسیحیت»، آفاق دین، سال سوم، شماره ۹، ۱۳۹۱ش، ص ۶۷-۹۸.
۱۱۸. همدانی، آقارضا؛ مصباح الفقهی، قم، مؤسسه جعفریه لإحیاء التراث، ۱۴۱۷ق.
۱۱۹. هبشی، نورالدین علی بن ابوبکر؛ مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ق.